



محمد عوض اعتمادی

مؤلفه‌های صلح در اندیشه شهید مزاری

۱. مفهوم صلح (Peace)

مقدمه



واژه صلح (Peace) در لغت، به معنای سازش و از بین بردن نفرت است. (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۵۱۶) در اصطلاح به حالتی اطلاق می‌شود که آرامش و امنیت عمومی در کشور برقرار باشد. (خدوری، ۱۳۳۵، ج ۱: ۸).

صلح یکی از اصول و ارزش‌های زندگی است و در جامعه معاصر یک نیاز حیاتی برای مردم و تمدن محسوب می‌شود. بدون شک صلح و امنیت، از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی و نیاز فطری بشر است که خداوند برای جوامع بشری ارزانی داشته است. منشأ صلح در تفکر، اندیشه و ذهن بشر ریشه دارد؛ همان‌گونه که جنگ و منازعه نیز از تفکر آدمی سرچشمه می‌گیرد. شهید مزاری به عنوان یک متفکر مسلمان، نیاز به صلح، آرامش و زندگی مسالمت‌آمیز را در افغانستان شدید احساس می‌کرد و همواره در صدد تحقق آن و افزایش وفاق اجتماعی و وحدت ملی از رهگذر تأمین عدالت اجتماعی، رعایت حقوق شهروندی و تفاهم و هم‌پذیری در جامعه بود.

در تعریف دیگری از صلح چنین آمده است: «صلح یعنی از درون آرام بودن، از درون احساس خوبی داشتن، حالتی که در آن حالت همه انسان‌ها با همه تفاوت‌ها و اختلاف‌های که دارند، می‌توانند در کنار هم باشند و با هم زندگی کنند. صلح یعنی افکار مثبت و خوب برای خود و دیگران داشتن.» (تلمن و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۷).

۲. اهمیت و جایگاه صلح

بنابراین، متغیرهای مهم و کلیدی که مؤلفه‌های صلح را در اندیشه شهید مزاری تشکیل می‌دهد و در بعد کلان معنا می‌یابد، مقوله‌های عدالت، حقوق شهروندی، تفاهم و هم‌پذیری است. نگارنده، در این مقاله کوتاه بر آن است که، این مقوله‌ها را با استفاده از روش کیفی و تحلیل محتوایی سخنان شهید مزاری، تبیین کند. پیش از پرداختن به مؤلفه‌های صلح، لازم و ضروری به نظر می‌رسد که مفهوم، جایگاه و اهمیت صلح بررسی شود.

از آن جایی که صلح یک موضوع فطری و فرا دینی است، لازم به نظر می‌رسد که اهمیت آن، در عرف عقلا نیز مورد توجه قرار گیرد. از این‌رو، ابتدا جایگاه صلح در حقوق بین‌الملل، سپس در آموزه‌های اسلامی مورد تبیین و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. اهمیت صلح در حقوق بین‌الملل

جنگ و تجاوز، همواره زندگی بشر را با تهدید مواجه ساخته است. زیان‌ها و آثار مخرب جنگ بر کسی پوشیده نیست، از

”

شهید مزاری با درک بی‌عدالتی،
تبعیض‌های استخوان‌سوز و محرومیت
اقوام افغانستان به‌ویژه هزاره‌ها از حقوق
سیاسی‌شان و درک تأثیر آن در افزایش
ضریب صلح، خواهان مشارکت اقوام به
ویژه هزاره‌ها در تصمیم‌گیری‌های کلان،
تغییر ساختار اداری و... بود.

“

۳. مؤلفه‌های صلح در اندیشه شهید مزاری ۳-۱. عدالت اجتماعی

یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین متغیرها، در اندیشه شهید مزاری عدالت اجتماعی است؛ یعنی گذر از مطلق‌گرایی به تکثرگرایی و ایجاد یک نظام سیاسی، اجتماعی توسعه‌یافته در جامعه چند قومی افغانستان، که در آن همه نیروهای سیاسی، اجتماعی مشارکت داشته باشند. شهید مزاری با درک نقش عدالت اجتماعی، در صلح پایدار، همواره به دنبال آن بود. چنان‌که می‌گوید: «خواست ما تأمین عدالت، برابری و برادری میان مردم افغانستان است. ما هیچ‌گاه معتقد به اتخاذ شیوه‌های قهرآمیز و توسل به جنگ برای آن نبوده‌ایم و بعد از این نیز نخواهیم بود.» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۴: ۶۸-۶۹). «هدف ما تشکیل یک حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است.» (همان: ۹۵). بنابراین، می‌توان گفت: شهید مزاری باور داشت که صلح پایدار، آرامش و زندگی مسالمت‌آمیز زمانی میسر خواهد شد که ستم‌های چندین قرنه، پایان یابد، جامعه‌ای عاری از تبعیض، برتری‌جویی و افزون‌خواهی به‌وجود آید و عدالت اجتماعی در جامعه پیاده شود؛ یعنی همه مردم افغانستان به حقوق خویش برسند.

۳-۲. حقوق شهروندی

یکی دیگر از متغیرهای مهم و کلیدی در اندیشه شهید مزاری حقوق شهروندی است. هر چند شهید مزاری از واژه حقوق شهروندی هیچ‌گاه در سخنانش استفاده نکرده

سویی هم اختلاف در روابط داخلی و بین‌المللی امری طبیعی است؛ اما برای این‌که این اختلافات، به جنگ و تجاوز منجر نشود، دانشمندان و مجامع بین‌المللی طرح‌هایی در زمینه صلح ارائه داده‌اند و کنگره‌ها و همایش‌های بین‌المللی به این منظور تشکیل شده‌اند که اهمیت صلح و امنیت را بیان می‌کنند.

۲. اهمیت صلح در اسلام

در آموزه‌های اسلام بر صلح و زندگی مسالمت‌آمیز تأکید شده است. اصولاً گزینش نام اسلام برای دین خاتم، تأکیدی دیگری است بر اهمیت صلح از دیدگاه اسلام. صلح و جنگ از مسائل بنیادین و زیربنای فقه سیاسی اسلام است؛ اما این‌که کدام اصل است و کدام عارضی و استثنایی؟ دیدگاه‌های متضادی مطرح شده است. برخی از متفکران غربی، اسلام را دین جنگ و شمشیر دانسته‌اند. منتسکیو می‌نویسد: «دیانت اسلام که به زور شمشیر بر مردم تحمیل شده است؛ چون اساس آن متکی بر جبر و زور بوده است، باعث سختی و شدت شده است و اخلاق و روحیات مردم را تند می‌کند.» (منتسکیو، ۱۳۶۲: ۶۷۰). مجید خدوری با این باور که روابط عادی میان مسلمانان و کفار هرگز مبتنی بر صلح نبوده است، حالت یک جنگ دائمی را به تصویر کشیده است. (خدوری، پیشین: ۸۲). در مقابل، کسانی معتقدند که در اسلام صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز مبنای گسترش روابط مسلمانان با دیگر ملت‌ها است. شیخ شلتوت فقیه مصری می‌نویسد: «اسلام سیاست صلح‌جویانه را به مسلمانان توصیه کرده است تا بر گونه‌های روابط آنان حاکم باشد. بدین لحاظ صلح به عنوان حالت اصلی رابطه میان انسان‌ها زمینه همکاری و آشنایی‌شان را فراهم می‌آورد.» (شلتوت، بی‌تا: ۵۳). یکی دیگر از نویسندگان معاصر می‌نویسد: «اصل در اسلام صلح است و جنگ یک ضرورت است. به‌منظور تأمین صلح و امنیت و در حد ضرورت از آن استفاده می‌شود.» (الزحیلی، ۱۴۱۲ق: ۱۳۰-۱۴۷). شهید مطهری می‌نویسد: «به قرآن رجوع می‌کنیم؛ در قرآن هم دستور جنگ رسیده است و هم دستور صلح. پس اسلام دین کدام یک است؟ اسلام نه صلح را به معنی یک اصل ثابت می‌پذیرد و نه در همه شرایط جنگ را. اصولاً جنگ و صلح تابع شرایط است.» (مطهری، ۱۳۶۸: ۷۷-۷۸). به نظر می‌رسد که اسلام طرفدار صلح، آرامش و امنیت است. از این‌رو، اصل صلح را به عنوان یک اقدام برتر (نساء/ ۱۲۸) فراراه روابط فردی، اجتماعی و بین‌المللی قرار داده است و پیروانش را به صلح و سلام دعوت کرده است و از جنگ بر حذر داشته است.

اگر تمام ملیت‌ها، اقوام و مذاهب در تصمیم‌گیری کشور شریک نباشند، معضل افغانستان حل نخواهد شد.» (مزاری، ۱۳۹۳: ۲۶۷). بنابراین، می‌توان گفت: شهید مزاری تأمین حقوق سیاسی را زمینه‌ساز صلح پایدار و عدم آن را عامل جنگ‌ها، بحران‌ها و ناامنی‌ها در کشور می‌دانست.

۳-۲-۲. حقوق اجتماعی

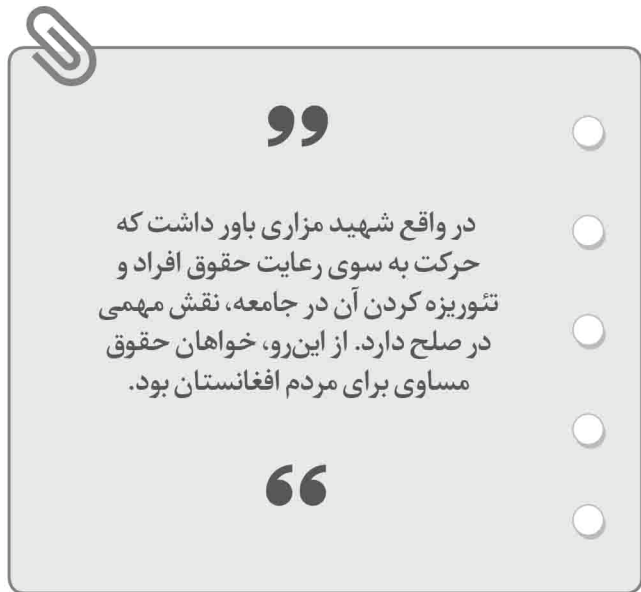
مهم‌ترین مؤلفه‌های حقوق اجتماعی که توجه بدان می‌تواند در جهت افزایش صلح و وفاق سیاسی یک جامعه مؤثر باشد، حق تأمین امنیت، رفاه اجتماعی و حرکت به سمت رضایت‌مندی شهروندان است. شهید مزاری با بازگو کردن محرومیت هزاره‌ها: «... تعمد بود ما را نگذارند مکتب‌ها، ما را نگذارند به کار کردن و تجارت‌ها، آن‌چه در جامعه امتیاز به حساب می‌رفت، ما [از آن] محروم بودیم. (غفاری لعلی، ۱۳۷۳: ۳۱۳) می‌خواهد بگوید که؛ ریشه‌های نبود صلح و بحران‌ها در این محرومیت‌ها نهفته است. بنابراین، برای رسیدن به صلح باید به سوی تأمین رفاه اجتماعی، امنیت و رضایت‌مندی مردم حرکت کنیم.

۳-۲-۳. حقوق فرهنگی

حقوق فرهنگی در اغلب کشورهای جهان، مفهوم نوینی است که طیف وسیعی از حقوق انسانی را شامل می‌شود. شهید مزاری در این زمینه می‌گوید: «حزب وحدت مصمم است که از حقوق ملیت‌های ساکن در افغانستان و همه اقشار مردم - اعم از زن و مرد - در سیاست آینده کشور دفاع کند. این موضع حزب وحدت است و می‌خواهد که در این جا حق هیچ ملیتی، هیچ حزبی، هیچ قومی و نژادی ضایع نشود و در حق کسی ظلم صورت نگیرد.» (جاوید، بی‌تا: ۱۹۷). در واقع شهید مزاری باور داشت که حرکت به سوی رعایت حقوق افراد و تئوریزه کردن آن در جامعه، نقش مهمی در صلح دارد. از این‌رو، خواهان حقوق مساوی برای مردم افغانستان بود.

۳-۲-۴. حقوق اقتصادی

بخش مهم از حقوق شهروندی که پیوند ناگسستنی با صلح و مدارای اجتماعی دارد، حقوق اقتصادی است که با زندگی و معیشت مردم ارتباط تنگاتنگ دارد. مانند حق مالکیت، حق کار و... اصل ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز می‌گوید: «هرکس حق دارد کار کند و کار خود را آزادانه انتخاب کند.» قانون اساسی افغانستان نیز بر این حق اساسی تأکید دارد. (قانون اساسی، ماده ۴۸) شهید مزاری



است؛ اما حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و...، حیطة‌های اصلی حقوق شهروندی است که شهید مزاری همواره روی آن‌ها انگشت نهاده و تأکید کرده است. بنابراین، در این مقاله، می‌توان از حقوق شهروندی به‌عنوان مؤلفه صلح در اندیشه ایشان نام برد.

۳-۲-۱. حقوق سیاسی

حقوق سیاسی، آن دسته از حقوق است که برای شخص در ارتباط با حاکمیت معنا یافته است و یک رابطه دو سویه است. بدین معنا که به همان اندازه که اشخاص می‌بایست حقوق سیاسی خود را از دولت و حاکمیت مطالبه کنند، دولت‌ها و حاکمیت‌ها نیز حقوقی بر مردم دارند که مردم باید در یک کنش و واکنش دو طرفه با دولت، آن را مدنظر داشته باشند. رعایت این حقوق می‌تواند، گامی در مسیر افزایش ضریب صلح، مدارا، وفاق ملی، آرامش جمعی و... و متعاقباً توسعه اجتماعی باشد.

شهید مزاری با درک بی‌عدالتی، تبعیض‌های استخوان‌سوز و محرومیت اقوام افغانستان به‌ویژه هزاره‌ها از حقوق سیاسی‌شان و درک تأثیر آن در افزایش ضریب صلح، خواهان مشارکت اقوام به‌ویژه هزاره‌ها در تصمیم‌گیری‌های کلان، تغییر ساختار اداری و... بود و می‌گفت: «باید در حکومت آینده، همه به حقوق خود برسند و ما معیار نفوس را که یک معیار بین‌المللی هست، معتبر می‌دانیم و بر همان اساس نفوس، از دولت و حکومت آینده خواستار حق خود هستیم.» (همان: ۱۳۴) یا در جای دیگر می‌گوید: «حزب وحدت اسلامی سیاست اصولی و ثابت دارد، حقوق مردم خود را می‌خواهد، جنگ را راه حل نمی‌داند و معتقد است،

”

هم‌کاری و وابستگی متقابل افراد جامعه در جهت هدف مشترک و درک ارزش آن، یکی از مؤلفه‌های اساسی و مهم صلح در اندیشه شهید مزاری است.

“

با اشاره به مظالم گذشته روی این نکته تأکید دارد و آن را موجب وفاق اجتماعی در افغانستان می‌داند. (غفاری لعلی، ۱۳۷۳: ۳۱۳).

چنان‌که ملاحظه شد، شهید مزاری عدم رعایت حقوق شهروندی و تضییع آن‌ها را از سوی عده‌ای خاص که همواره بر مردم حکومت کرده‌اند، عامل بحران‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی کشور می‌داند و صلح پایدار، آرامش و زندگی مسالمت‌آمیز را در سایه تأمین «حقوق شهروندی و بخش مهم آن یعنی حقوق اقتصادی» می‌داند.

۳-۳. تفاهم و هم‌پذیری

هم‌کاری و وابستگی متقابل افراد جامعه در جهت هدف مشترک و درک ارزش آن، یکی از مؤلفه‌های اساسی و مهم صلح در اندیشه شهید مزاری است. ایشان در زمینه تأثیر مستقیم تفاهم و هم‌پذیری بر صلح، تصریح می‌کند: «غیر از مذاکره هیچ راه برای استقرار صلح و امنیت در کشور وجود ندارد.» (جاوید، بی‌تا: ۱۰۹). در جای دیگری تفاهم را به عنوان تنها راه بیرون رفت از بحران کشور اعلام می‌کند: «تنها با تفاهم و احترام به حقوق یکدیگر می‌توان بحران کنونی را مهار کرد و یک حکومت مردمی و اسلامی به وجود آورد.» (همان: ۱۰۴).

نتیجه‌گیری

برایند این پژوهش این است که مهم‌ترین مؤلفه‌های صلح در اندیشه شهید مزاری عدالت اجتماعی، حقوق شهروندی، تفاهم و هم‌پذیری است. به این بیان که؛ در اندیشه شهید مزاری به عنوان یک متفکر مسلمان، میان تحقق عدالت اجتماعی، تأمین حقوق شهروندی و تفاهم و هم‌پذیری با تحقق صلح در جامعه یک رابطه دو سویه و جاده دوطرفه است. بنابراین، هرچه گام‌های کاربردی‌تر در مسیر تحقق عدالت و تأمین حقوق شهروندی و هم‌پذیری در کشور برداشته شود، صلح، امنیت و وفاق ملی در ابعاد خرد و کلان آن، بیش‌تر جامعه عمل خواهد پوشید. چنان‌چه عکس قضیه نیز صادق است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر. مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸م.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). لسان العرب.

۴. بیروت: دار احیاء التراث العربی. الزحیلی، وهبه (۱۴۱۲ق). آثار الحرب فی فقه الاسلامی (چاپ دوم). دمشق: دارالفکر.
۵. تلمن، رایان و همکاران (۱۳۸۴)، ارزش‌های زندگی، ترجمه: ناصر یوسفی و شهره یوسفی. تهران: نشر افق.
۶. پیک، کانی (۱۳۸۱). صلح پایدار؛ نقش سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای در پیش‌گیری از جنگ (چاپ اول)، ترجمه: سهیلا ناصری. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۷. خدوری، مجید (۱۳۳۵). جنگ و صلح در قانون اسلام، ترجمه: غلام‌رضا سعیدی. [بی‌جا]، اقبال.
۸. شلتوت، محمد (بی‌تا). الإسلام عقیده و شریعه. بیروت: دارالشرف.
۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۴ ش.
۱۰. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (۱۳۷۴). احیای هویت: مجموعه سخنرانی‌های شهید عبدالعلی مزاری (چاپ اول). کابل: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (سراج).
۱۱. غفاری لعلی، عبدالله (۱۳۷۳). فریاد عدالت: مجموعه مصاحبه‌های شهید مزاری (چاپ اول). قم: مؤسسه فرهنگی، تحقیقاتی و آموزشی شهید سجادی.
۱۲. جاوید، محمد جاوید (بی‌تا). احیای هویت. کابل: انتشارات امیری.
۱۳. مزاری، عبدالعلی (۱۳۹۳). منشور برادری (چاپ سوم). کویت: نشر فرهنگ هزاره.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). سیری در سیره ائمه اطهار (ع) (چاپ اول)، تهران: صدرا.
۱۵. منتسکیو، شارل (۱۳۶۲). روح القوانين، ترجمه: علی اکبر مهتدی. تهران: امیر کبیر.